

راهکارهای مقابله با جریان‌های انحرافی مهدویت

محمد براری^۱

چکیده

سوء برداشت و مطامع دنیوی، همواره باورها و اعتقادات یک جامعه را تهدید کرده، آن را به سوی انحرافات می‌کشاند. از این‌رو، ضروری است برای مواجهه و مقابله با آنها راهکارهایی اندیشید تا جامعه را در برابر آنها مصون سازی کرد.

در مصون سازی آموزه مهدویت در تقابل با جریان‌های انحرافی، این سه راهکار مهم، آثار فراوانی خواهد داشت:

الف) راهکار فرهنگی: این راهکار بر سه عرصه پژوهش، آموزش و تبلیغ که مترتب بر هم هستند، استوار است. هدف از این راهکار، نهادینه کردن مفاهیم و معارف صحیح در سطح جامعه است، به گونه‌ای که محلی برای فعالیت‌های جریان‌های انحرافی وجود نداشته باشد.

ب) راهکار سیاسی: در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی، فعالیت‌هایی توسط حکومت اسلامی در این مسیر انجام می‌گیرد.

ج) راهکار اقتصادی: دولت اسلامی و اصناف و تشکل‌های اقتصادی در راستای هم‌برای زدودن انحرافات در حوزه مهدویت به کمک مراکز فرهنگی و علمی می‌آیند.

واژگان کلیدی: جریان‌ات انحرافی، مهدویت.

۱. دانش آموخته سطح ۴ مهدویت گرایش قرآن و حدیث مرکز تخصصی مهدویت قم، ایمیل:

مقدمه

برداشت‌ها و تفسیرهای غلط از دین در کنار طمع‌ها و سوء استفاده‌ها از فضای اعتقادی و دینی، موجب پیدایش افکار انحرافی می‌گردد که اگر برخورد صحیح و مناسبی با آن انجام نگیرد، موجب ایجاد جریان و در نهایت فرقه انحرافی در درون جامعه دینی می‌گردد که طیف وسیعی از جامعه را درگیر خود کرده و در نهایت با رشد و قدرت گرفتن آنها، سبب تحریف دین و دور شدن جامعه از مسیر تعالیم و معارف صحیح آن می‌گردد.

از این رو، در وهله اول بر تمام کسانی که از دین پیروی می‌کنند ضروری است ضمن مراقبت از آن، با تعمیق بخشیدن به اعتقادات خویش، از شکل‌گیری هرگونه تفکرات و ایده‌های انحرافی در درون خود جلوگیری کنند.

از طرفی دیگر، کسانی که به نوعی نسبت به حفظ معارف دینی و اعتقادات جامعه، مسئولیت دارند، مقابله با جریان‌های انحرافی از مهم‌ترین مسئولیت‌های آنان به حساب می‌آید. از این رو، باید ضمن از بین بردن هر گونه بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری، مسائل فرهنگی پیرامون را به دقت بررسی و رصد کنند و برنامه جامعی در تقابل با آنها تدوین کرده، اجرایی سازند.

بدیهی است با پی‌ریزی و عملیاتی کردن برنامه‌ای جامع با نظرداشت همه جوانب می‌توان در از بین رفتن یا کم اثر کردن تفکرات و جریان‌های انحرافی، نقش به‌سزایی ایفا کرد.

هر چند تفکرات و جریان‌های انحرافی از مقوله و سنخ فرهنگی هستند و مهم‌ترین عرصه تقابل با آنان در همین عرصه معرفی می‌گردد، ولی با توجه به میزان نفوذ و رسوخی که در یک جامعه پیدا می‌کنند می‌توانند حوزه‌های اقتصاد، سیاست و ... که جلوه‌گاه عرصه‌های دیگر زندگی انسانی هستند را درگیر کنند. بنابراین، در طراحی و تدوین برنامه و راهکار جامع برای مقابله با تفکرات و جریان‌های انحرافی، تمام عرصه‌های فوق باید مورد توجه قرار گرفته، برای هر کدام راهکار جداگانه‌ای طراحی کرد.

مهدویت هم به عنوان یک تفکر و اعتقاد از این قاعده مستثنا نیست و همواره در معرض انحرافات از سوی کژاندیشان و بازیگران عرصه طمع و سودجویی بوده و هست. از این رو، نیازمند طرح و راهکاری همه‌جانبه برای مقابله با این تفکرات و جریان‌ها خواهد بود.

در مسئله مورد بحث، پایان‌نامه‌ای با عنوان *زمینه‌های پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر* در جمع‌بندی مباحث خود به راهکارهایی اشاره داشته است،^۱ اما راهکارهای مطرح شده از جانب ایشان به صورت کلی و بدون تفکیک حوزه‌های مختلف انجام گرفته و منابع دیگر هم به صورت گذرا به این مسئله پرداخته‌اند.^۲

نوشتار حاضر می‌کوشد با توجه به حوزه‌ها و عرصه‌های مختلفی که برای تقابل با جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت وجود دارد برای هر حوزه، راهکارهای درخور و مناسبی ارائه کند که بتواند در مجموع، برنامه‌ای جامع در تقابل با تفکرات و جریان‌های انحرافی مهدوی به شمار آید. از آنجا که راهکارهای ارائه شده، مخصوص مقابله با جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت نیست، بلکه شامل مقابله با هر نوع جریان‌های انحرافی در هر حوزه‌ای می‌شود، در بسیاری از موارد، متن پیش‌رو به صورت کلی، راهکارها را ارائه کرده است.

راهکارهای مقابله با جریان‌های انحرافی مهدویت

در مقابله با این جریان‌ها سه راهکار مهم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد که در ادامه به تفصیل به این سه راهکار خواهیم پرداخت:

راهکار فرهنگی

از آنجا که سنخ انحرافات در حوزه اعتقاد، از جنس فرهنگ است، اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهکاری که در تقابل با آنها باید انجام گیرد، راه کار فرهنگی است. تایلر فرهنگ را این گونه معرفی می‌کند:

«فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است متضمن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمامی تمایلات، قابلیت‌ها و عادات مکتسبه که آدمی در حالت عضویت در یک اجتماع، حاصل می‌نماید».^۳

هر چند تعریف تایلر، حکایت از گستردگی مفهوم فرهنگ دارد، ولی به نوعی می‌توان گفت از تمام مواردی که زیر مجموعه فرهنگ شمرده می‌شود، باورها و اعتقادات، زیر بنای دیگر موارد به حساب می‌آید؛ به این معنا که موارد دیگر مانند آداب و رسوم و قوانین و هنر و ... متأثر از باورها و اعتقادات هستند و برآمده از نوع اعتقاد و باوری است که در جامعه ریشه دوانیده است.

۱. کامیاب، *زمینه‌های پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر*، ص ۱۴۷-۱۵۱.

۲. محمدی اشتهاردی، *بابی‌گری و بهایی‌گری*، ص ۸۹ - ۹۱.

۳. منصور، *فرهنگ استقلال*، ص ۹ و ۱۰.

از این رو، در راهکار فرهنگی، بیشترین تمرکز باید بر این دو محور، صورت پذیرد و به دنبال نهادینه‌سازی مفاهیم بلند در باورها و اعتقادات بود. در مهدویت هم به عنوان یک اعتقاد و باور، برای نهادینه‌سازی معارف و مفاهیم آن و جلوگیری از انحراف‌های پیرامون آن و مقابله با جریان‌های انحرافی، مهم‌ترین راهکار، از سنخ فرهنگی خواهد بود.

برای راهکار فرهنگی در هر حوزه‌ای از جمله مقابله با جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت، سه عرصه که مترتب بر هم هستند از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی به شمار می‌رود:

الف) پژوهش

ب) آموزش

ج) تبلیغ

الف) پژوهش

از اولین و حیاتی‌ترین مراحل برای کار فرهنگی، مرحله پژوهش است. داده‌های پژوهشی و نتایج برآمده از آن به جهت دقت و بررسی‌های عالمانه‌ای که روی آنها صورت می‌گیرد، با کم‌ترین خطا و اشتباه و انحراف همراه خواهد بود.

برای مقابله با جریان‌های انحرافی عرصه مهدویت، سه کار مهم در مرحله پژوهش باید صورت بپذیرد:

۱. رصد و شناسایی

پژوهش به جهت هزینه‌های مالی و زمانی که دارد، در انتخاب مسائل و موارد مورد پژوهش باید اولویت‌سنجی شود مواردی که در اولویت بالاتری قرار دارند، روی آنها پژوهش صورت بپذیرد. برای رسیدن به این مهم، ابتدا باید مقوله‌های پیرامون حوزه مورد بحث را مورد بررسی و دقت قرار داد و به تعبیر دیگر باید مقوله‌های پیرامون را رصد کرده، آنها را شناسایی کرد. بدیهی است هرچه در مرحله رصد و شناسایی، دقت بیشتری صورت پذیرد نتیجه‌ای که در مراحل بعد به دست می‌آید به مراتب ارزشمندتر و در رسیدن به هدف مؤثرتر خواهد بود.

مقابله با جریان‌های انحرافی هم از این قاعده مستثنا نیست و نیازمند اولویت‌بندی در مباحث است و این کار با رصد و شناسایی در عرصه‌های زیر، به دست خواهد آمد:

- آموزه‌های بنیادین مهدویت، مانند: جایگاه امامت و ضرورت آن، نسب‌نامه امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه

غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه، ظهور و پدیده‌های دوران ظهور، شرایط ظهور، علائم حتمی ظهور و

- آموزه‌هایی که قابلیت سوء استفاده دارند، مانند: علائم ظهور، نیابت از امام عجل الله فرجه و مفهوم آن، امکان ارتباط و ملاقات با امام عجل الله فرجه و

- ترفندهای مدعیان دروغین برای جذب و گسترش گروندگان به خود، مانند: خواب، رؤیا، ادعای ملاقات، زهد فروشی و

- بسترها و زمینه پیدایش جریان‌های انحرافی به ویژه جریان‌های مرتبط با مسئله مهدویت، مانند: فقر، جهل، هرج و مرج سیاسی، دین ستیزی و

- معیارهای تشخیص مدعیان دروغین از راستین، مانند: علائم ظهور حتمی به ویژه صیحه آسمانی، ادعای ارتباط با امام زمان عجل الله فرجه، نقل خواب، سخنان مبهم و پیچیده و

- مضرات گرایش به جریان‌های انحرافی، مانند: از دست دادن دین و اعتقاد و به هدر رفتن جان و

با دقتی که در مقوله‌های فوق می‌توان انجام داد، عرصه‌های اولویت‌دار برای پژوهش را می‌توان استخراج کرد و با سرمایه‌گذاری زمانی و مالی در مسیر تقابل با جریان‌های انحرافی، می‌توان بهره‌های بهتری را برد.

۲. تبیین صحیح و منطقی

شناخت عاری از هرگونه پیرایه‌های وهم و خیال و مغالطه، گنجی است که موجبات واکسینه کردن یک شخص یا یک گروه یا یک جامعه در مقابل هرگونه سودجویی و منفعت‌طلبی سوء استفاده‌گران عرصه‌های مختلف می‌گردد و این مهم هم در باور مهدویت دارای کارایی بسیار بالایی است تا حدی که امام صادق علیه السلام آن را به عنوان راهی برای مصون ماندن از هر گونه انحراف در مورد امامت و امام مهدی عجل الله فرجه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرْكَ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرَهُ» امامت را بشناس [پس] زمانی که امامت را شناختی ضرری به تو نخواهد رسید چه این امر مقدم گردد (و زودتر اتفاق بیفتد) و چه به تأخیر افتد.

در مقابل، برجیده‌شدن شناخت و معرفت صحیح از یک گروه یا جامعه ای، آن را در معرض منفعت‌طلبی‌ها و سوء استفاده‌های افراد یا جریان‌های منحرف، قرار می‌دهد؛ آنانی که در طول

تاریخ از ضعف شناخت و درک افراد، بیشترین استفاده‌ها را برده، جمع‌گیری را افزون بر استثمارشان، از مسیر اعتقادی صحیح جدایشان کرده‌اند. بنابراین، می‌توان ادعا نمود که یکی از وضعیت‌هایی که به شکل‌گیری، رشد و قوت‌گرفتن انحرافات و تفکرات و جریان‌های انحرافی کمک می‌کند، نبود شناخت صحیح از معارف دینی و از جمله معارف مهدوی است.

ناگفته پیداست که شناخت صحیح و دقیق برای هر فرد و جامعه‌ای درگرو تبیین صحیح و منطقی و مستدل آن مطلب مورد بحث خواهد بود؛ به این معنا که برای رساندن سطح شناخت فرد یا جامعه به حد مطلوب و واکنش‌کردن آنان در مقابل هرگونه حمله‌های اعتقادی و دینی، ابتدا می‌بایست آن مطلب، مورد پژوهش علمی قرار گرفته، نظریات و احتمالات در بوته نقد و نظر قرار گیرد تا محصولاتی با قوت علمی و استحکام درونی بیشتر به جامعه تزریق گردد.

از این رو در تقابل با جریان‌های انحرافی مهدوی در ادامه مرحله پژوهش، مقولاتی که در عرصه‌های فوق، رصد و شناسایی شده‌اند، باید به دقت مورد بررسی و تحلیل علمی قرار گرفته؛ با اسلوب و روش‌های منطقی و علمی به تبیین صحیح آن پرداخت.

برای نمونه در دوران غیبت امام زمان علیه السلام، امکان نیابت خاصه نیست و کسانی که با مطرح کردن آن به صراحت یا در لفافه و به صورت تلویحی بر این نکته تکیه می‌کنند، در پی ارضای هواهای نفسانی و مطامع خود هستند یا متوهمانی هستند که تخیلات خود را به عنوان نکات و معارف ناب به خورد مستضعفان فکری جامعه می‌دهند.

وقتی در متون دینی خواب و رؤیا را مورد بررسی دقیق علمی قرار دهیم در می‌یابیم که در روایات اهل بیت علیهم السلام به خواب اهمیت داده‌اند، اما ورود آن را در حوزه اعتقاد و دین، بی‌پایه و اساس مطرح کرده و بر عظمت دین و جایگاه آن و پست‌بودن جایگاه خواب نسبت به اثبات دین تصریح می‌کنند. امام صادق علیه السلام از عمر بن اذینه در مورد آنچه عامه در اذان‌هایشان برخلاف اذان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گویند سؤال نمود. در پاسخ گفت آنان می‌گویند که ابی بن کعب آن را در خواب دیده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «كَذَّبُوا فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَغْرُ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ»^۱ دروغ می‌گویند. همانا دین خدا عزوجل ارجمندتر (و با عظمت‌تر) از آن است که در خواب دیده شود.

۱. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۸۲؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۱۲.

نکته‌ای که در اینجا مورد اهمیت است این است که امام علیه السلام حتی استناد فرع کوچکی از فروعات دین و فقره‌ای از فقرات اذان را به خواب مورد حمله قرار می‌دهد و با قاعده کلیه‌ای که ارائه می‌فرماید این کار را توبیخ می‌نماید. چگونه است کسانی مانند احمد بصری در ادعای مهدی بودن و احقیق خود که به امر اعتقادی گره خورده است، به خواب‌ها استناد می‌کند. و یا مانند جهیمان العتیبی که در اثبات مهدی بودن محمد قحطانی به خواب‌ها استناد کرده است.

۳. تألیف و ردیه‌نویسی

داده‌ها و نتایج پژوهشی که در زمینه‌های فوق به دست آمده است، به عنوان محتواهای علمی که بر رویشان بررسی‌های کارشناسانه صورت پذیرفته است، به شکلی باید به جامعه هدف منتقل گردد. انتقال محصول‌های پژوهشی به جامعه هدف به سه صورت امکان‌پذیر است: ۱. تألیف و ردیه‌نویسی؛ ۲. آموزش؛ ۳. تبلیغ. که در میان آنها تنها صورت اول است که جزو مراحل پژوهشی به حساب می‌آید، در این مرحله، داده‌های پژوهشی در قالب کتاب یا مقاله و جزوه در عرصه‌هایی که قبلاً ذکر شده است، به دو صورت ایجابی و سلبی به جامعه هدف منتقل می‌گردد. در شکل ایجابی به تبیین و توضیح مبانی و معارف مهدوی پرداخته می‌شود و در شکل سلبی به ردیه‌نویسی و رد و ابطال نظریه، تفکر، جریان و ... انحرافی پرداخته می‌شود. تألیف کتاب و مقاله افزون بر اینکه موجب حفظ و ماندگاری نتایج و محصول‌های پژوهشی می‌گردد، به سهم خود موجبات انتشار و گسترش مفاهیم و مطالب نگارشته شده، می‌گردد و با آموزش و تبلیغ مناسب می‌تواند در نهادینه سازی اعتقاد صحیح و معارف ناب در جامعه نقش به‌سزایی ایفا کند.

ب و ج) آموزش و تبلیغ

جامعه‌ای که مورد هدف جریان‌های انحرافی مهدوی و سردمداران آنها قرار دارند، اگر از لحاظ اندیشه و شناخت، به اندازه کافی، تأمین نشده باشد، و کاری برای ارتقای سطح بینش آن صورت نگیرد، به راحتی در دام‌های گروه‌های یاد شده قرار خواهد گرفت. از این رو لازم است، آنچه در پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها توسط کارشناسان با دقت‌های علمی، به ثمر نشست است، به نوعی با تغییر قالب زمخت و خشن علمی، با شیوه‌های مطلوب آموزشی و تبلیغی به سطح جامعه منتقل گردد و شرایط را برای ارتقای سطح علمی و شناختی افراد جامعه، فراهم سازد.

آموزش و تبلیغ به عنوان مهم‌ترین روش‌های انتقال مفاهیم، وظیفه ارتقا و رشد علمی و فکری جامعه را هم برعهده دارند، رشدی که موجبات قدرت تجزیه و تحلیل در مسائل را به شخصی

که مورد تعلیم و آموزش قرار گرفته است را بدهد. شهید مطهری در بیانی، هدف از آموزش و پرورش را رشد فکری دادن به متعلم و جامعه معرفی می‌کند، و وظیفه معلم و استاد و حتی واعظی که خطابه را بر عهده دارد این‌گونه معرفی می‌کند: «تعلیم دهنده و مربی هر که هست (معلم است، استاد است، خطیب است، واعظ است) باید کوشش کند که [به متعلم و متربی] رشد فکری یعنی قوه تجزیه و تحلیل بدهد»^۱. بنابراین جامعه‌ای بخواهد در مقابل انحرافات و کژی‌ها مقاوم گردد و به نوعی در مقابل آنها واکنش پیدا کند، لازم‌هاش این است که قوت تجزیه و تحلیل و شناخت مردم آن جامعه به سر حد مطلوب برسد، حدی که ترفندها و شگردهای سردمداران تزویر و حيله و انحراف‌های آنان در افراد این جامعه و کسانی که تحت آموزش‌ها و تربیت‌های مورد نظر قرار گرفته‌اند، اثری نگذارد و یا آثار آن را به حداقل ممکن رساند.

آموزش‌ها و تبلیغ‌هایی که برای افراد جامعه هدف در فضای مهدوی، می‌توان انجام داد، باید در دو سطح و قالب انجام گیرد:

عمومی: مخاطب این نوع، عموم افراد جامعه هستند و در این آموزش‌ها و تبلیغ‌ها اغلب، به دنبال تبیین و توضیح‌هایی در زمینه‌های یاد شده، می‌باشند؛ به این معنا که در سطحی فهم‌پذیر برای عموم افراد جامعه و فارغ از هرگونه استدلال‌ها و براهین سنگین علمی، داده‌های پژوهشی عرصه‌های مختلف مباحث مهدویت را به جامعه منتقل می‌کنند.

تخصصی: مخاطب و جامعه هدف در آن، تحصیل‌کرده‌های حوزوی و دانشگاهی هستند و هدف از این نوع آموزش و تبلیغ، تربیت نیروهایی زنده و فعال در راستای تقویت سطح شناخت جامعه است؛ با آموزش‌ها و تبلیغات تخصصی در فضای معارف مهدوی، افرادی تربیت می‌شوند که به دلیل دریافت‌ها و سطح درک بالاتر، راهبری فضای جامعه به سوی معارف ناب مهدوی و دفاع از آن در مقابل هجوم‌ها و القائات جریان‌های انحرافی را بر دوش می‌کشند.

آنچه می‌تواند به پیشبرد اهداف در دو عرصه آموزش و تبلیغ، کمک کند این است که در هر دو از هر نوع ابزاری که برای بهتر محقق کردن اهداف مورد نظر، می‌تواند مثمر ثمر باشد، باید بهره برد، مانند: کلاس و کارگاه، خطابه‌های عمومی، هنر، رسانه و فضای مجازی.

نکته: هدف نهایی در دو عرصه آموزش و تبلیغ، تحکیم باورهای مهدوی و روشن‌ساختن ترفندها و شگردها و روش‌های مدعیان دروغین مهدویت و جریان‌های انحرافی مهدوی و نهادینه‌سازی آنها در سطح جامعه است؛ به این معنا که آن‌قدر در آموزش و تبلیغ باید وسیع و همه‌جانبه و بدون هرگونه سهل‌انگاری و وقفه عمل کرد که آنچه در پژوهش‌ها به آن رسیده

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۲۸.

شد، به گونه‌ای به جامعه تزریق گردد که جزو مسلمات و بدیهیات جامعه تلقی گردد و چنان در جامعه رسوخ یابد که احتمال هرگونه سوءاستفاده از جامعه دینی مهدوی را به صفر یا حداقل ممکن برساند. تأثیرگذاری فکر یا جریان انحرافی مهدوی در یک جامعه‌ای حکایت از آن دارد که معارف صحیح مهدوی و شناخت نسبت به جریان‌ها و ایده‌های منحرف در حوزه مهدویت، در آن جامعه، نهادینه نشده است؛ زیرا در جامعه‌ای که نکات بالا در آن نهادینه‌سازی شده باشد، در واقع راه‌های نفوذ به آن در جهات یادشده، بسته شده است و افراد آن در مقابل رسوخ هرگونه تفکرات و ایده‌های انحرافی واکنش داده‌اند. بنابراین، جایی برای عرض اندام هر نوع انحرافی در زمینه‌های عمل شده باقی نخواهد ماند.

راهکار سیاسی

بعد سیاسی یکی از ابعاد زندگی اجتماعی بشر است. «حقیقت سیاست همان تدبیر است گاه درباره یک گروه کوچک به کار می‌رود و گاه درباره یک کشور و این امر از دورترین زمان‌ها در جوامع انسانی وجود داشته و سیاستمداران، اعم از خوب و بد بر انسان‌ها حکومت می‌کردند.»^۱

امام خمینی رحمته الله علیه در تفسیر سوره حمد سیاست را این‌گونه معرفی می‌کند: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست» (امام خمینی، ص ۲۴۷). هر چند ایشان در ادامه از اختصاص این نوع سیاست به انبیا و اولیا و علمای بیدار اسلام سخن می‌گوید (همان).

همو در بیانی علاوه بر تذکر به بد معرفی کردن اسلام در نسبت میان اسلام و سیاست فرمود: «و الله اسلام تماش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد».^۲

با این بیان می‌توان دریافت که سیاست و تدبیر جامعه یکی از شئون مهم اسلام و در ضمن آن مهدویت، به شمار می‌آید، به ویژه که اسلام و به تبع آن مهدویت که به دنبال هدایت جامعه و حرکت جامعه انسانی به سوی تکامل می‌باشد.

۱. مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، ج ۷، ص ۷۵۸.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۰.

حکومت اسلامی که نسبت به معتقدات و فرهنگ جامعه مسئولیت دارد، در تقابل با جریانات و فرقه‌های انحرافی ضروری است تدبیر و سیاست در دو عرصه داخلی و خارجی را مد نظر قرار دهد.

الف) سیاست داخلی

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی قوام رعیت و مردم تحت امر یک حکومت را در حسن سیاست معرفی می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۱) و در بیانی دیگر، ضعف در سیاست را آفتی برای حاکمان و زعیمان مطرح می‌نماید (همان، ص ۳۴۷). بدیهی است ضعف سیاست حاکمان در جامعه، آثار مخربی را برجای خواهد گذاشت. سیاست نیکو و حسن در گرو تدبیر و اداره نیکوی یک جامعه است، همان‌گونه که از امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره نقل شده است. (همان، ص ۳۳۱) حکومت اسلامی در عرصه سیاست داخلی که مربوط به حوزه تحت سیطره اوست، در ادای وظیفه‌ای که نسبت به برخورد و تقابل بهتر و اثرگذارتر با جریان‌های انحرافی و از جمله جریان‌های مربوط به حوزه مهدویت، باید در راستای تدبیر و اداره بهتر جامعه خود، موارد زیر را مورد توجه داشته باشد:

۱. وضع قوانین مانعه از ایجاد و گسترش جریان‌های انحرافی

خلأهای قانونی که بر آمده از نبود قانون یا قانون ناکارآمد است، راه را برای هر نوع سوء استفاده باز خواهد کرد. جریانات و تفکرهای انحرافی هم در بسیاری از موارد از این خلأهای قانونی استفاده کرده، خود را در یک جامعه احیا خواهند کرد. از این‌رو بر حکومت اسلامی لازم است که ضمن وضع قوانین کارآمد و پرکردن خلأهای قانونی، قوانینی را وضع کرده که از رشد و گسترش جریان‌های انحرافی جلوگیری کند و یا رشد این‌گونه جریان‌ها را به حداقل ممکن برساند.

۲. برنامه ریزی‌های کلان و خرد در جهت کاهش ایجاد و گسترش

جریان‌های انحرافی

اداره جامعه به شکل مطلوب، نیازمند مهندسی و طراحی مناسب است و رسیدن به جامعه مطلوب بدون برنامه ریزی مناسب و جامع به عنوان نقشه راه، امکان‌پذیر نیست. شهید مطهری رسیدن به نتیجه بهتر را در گرو برنامه ریزی صحیح معرفی کرده، می‌نویسد: «اصلاحات بدون

نقشه، بی‌ارزش و بی‌نتیجه است و هرچه که با برنامه‌ریزی و طراحی صحیح مقرون باشد بهتر می‌تواند نتیجه دهد.»^۱

حکومت اسلامی برای تقابل با جریان‌های انحرافی، می‌بایست در تدوین برنامه جامع، همت گمارد؛ برنامه‌ای که فعالیت‌های فوق‌را راهبری کند و به عنوان نقشه راه برای آنها به شمار رود. هر مقدار این برنامه‌ها از جامعیت بیشتری برخوردار باشد و در طراحی آنها دقت بیشتری صورت پذیرد، نتیجه‌ای که در رابطه با کاهش ایجاد و گسترش جریان‌های انحرافی به دست می‌آید، مطلوب‌تر خواهد بود. فعالیت‌های بدون برنامه یا با برنامه‌های ضعیف، از آسیب‌های جدی در رویکرد تقابل با انحرافات خواهد بود.

۳. ایجاد نهادهای فرهنگی

همانطور که در راهکار فرهنگی گذشت، در تقابل با جریان‌های انحرافی در هر عرصه، به ویژه عرصه مهدویت، اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهکار از سنخ فرهنگی است. از این‌رو، برای رسیدن به نتایج بهتر، ضروری است، مراکزی به عنوان نهادهای فرهنگی، مراحلی که در راهکار فرهنگی بیان شد، بر عهده بگیرند و به عنوان بازوان فرهنگی حکومت اسلامی، در این راستا کمک و یاری رسانند. بنابراین حکومت اسلامی، در راستای وظیفه فرهنگی‌ای که دارد، برای رسیدن به نتایج مطلوب تر و انسجام‌بخشی بهتر به فعالیت‌های فرهنگی، در صورت نبود مراکز فرهنگی‌ای که عهده‌دار مقابله با جریان‌های انحرافی گردند، لازم است در تشکیل چنین مراکز و نهادهایی اقدام نماید، نهادهایی که به عنوان کارگروه‌های تخصصی با فعالیت‌های تحت برنامه منسجم و دقیق، در جهت مقابله با انحرافات به وظایف خود عمل کنند.

نکته‌ای که در این رابطه باید بدان توجه داشت این است که اگر مراکز و نهادهای مرتبط با کار فرهنگی مورد نظر در جامعه اسلامی وجود دارند و توانایی مقابله با جریان‌های انحرافی را دارند، تأسیس و ایجاد مرکزی به موازات نهاد موجود ضروری نیست و نتیجه تأسیس چنین مراکزی چیزی جز موازی‌کاری و به هدر رفتن بودجه نخواهد بود. از این‌رو، آنچه شایسته است مورد حمایت قرار دادن نهادهای مذکور توسط حکومت اسلامی است.

۴. تقویت نهادهای فرهنگی

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۸۰۹.

بعد از تشکیل مراکز و نهادهایی که می‌خواهند عهده‌دار کارهای فرهنگی جامعه در زمینه خاصی گردند، امر دیگری که نباید حکومت اسلامی از آن غفلت ورزد، حمایت‌های مناسب از اینگونه نهادهاست. مهم‌ترین محورهایی که باید حمایت‌های مطرح شده انجام گیرد، سه محور است:

الف) حمایت مالی: کار فرهنگی، اعم از پژوهش، آموزش و تبلیغ، هزینه‌بردار است، مشکلات مالی یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که مراکز فرهنگی را تهدید می‌کند. ناکافی بودن بودجه‌ها، موجب کند پیش‌رفتن بسیاری از پروژه‌های ضروری و با اهمیت و یا بر زمین ماندن آنها می‌گردد. این اتفاق سبب می‌شود جریان‌های انحرافی، زمان بیشتری را برای رسیدن به اهداف خود در اختیار داشته باشند.

بدیهی است بی توجهی حکومت اسلامی نسبت به بودجه‌های ضروری مراکز فرهنگی، موجبات تزلزل نهادهای فرهنگی و در نهایت کم‌اثر شدن فعالیت‌های فرهنگی نهادهای مزبور را فراهم خواهد کرد.

ب) قضایی و قانونی: جریان‌های انحرافی و گروه‌های وابسته به آن برای آنکه موجودیت خود را حفظ کنند از هیچ کوششی دریغ نخواهند ورزید و از هر حربه‌ای استفاده می‌کنند تا فعالیت‌هایی علیه آنان انجام می‌شود را خاموش کنند حتی اگر از مسیر قانونی و قضایی باشد. بنابراین، ضروری است که در دو حوزه قانون و قضا تا جایی که ممکن است از سوی مسئولان حکومت اسلامی حمایت‌هایی صورت گیرد.

۵. نظارت دقیق

آیت الله جوادی آملی نظارت را جزو سه کار اصلی جامعه اسلامی بر شمرده، می‌نویسد: «در جامعه اسلامی، سه کار وجود دارد: یکی قانون‌گذاری، دوم اجرای قانون، و سوم نظارت بر حسن اجرای قانون و تطبیق کار با قانون؛ یعنی باید قوه‌ای باشد که اجرا و عمل به قانون را با قانون مقایسه کند که آیا درست عمل شده است یا خیر»^۱.

به عبارت دیگر می‌توان گفت نظارت دقیق، ضامن اجرای مناسب و صحیح قوانین وضع شده محسوب می‌گردد و بدون آن راهی برای بررسی میزان اجرای قوانین نیست و حتی نمی‌توان در مورد اجرای قانون هیچ‌گونه اظهار نظر نمود.

۱. جوادی آملی، نسیم اندیشه دفتر سوم، ص ۱۴۱.

افزون بر نظارت بر حسن اجرای قانون، نظارت بر تحرکات و تحولات اجتماعی که از جمله آن تحرکات جریان‌های انحرافی است، در محدوده عملکرد نظارتی دولت اسلامی هم قرار دارد که حسن نظارت در همه این موارد، سلامت جامعه را تضمین خواهد کرد.

۶. اعمال قدرت در برابر انحرافات

دیگر از مواردی که در حوزه سیاست داخلی باید بدان توجه داشت این است که در مواقعی باید نسبت به جریان‌های انحرافی شدت عمل و برخورد سخت داشت و سهل‌انگاری در این زمینه افزون بر ایجاد آزادی عمل به منحرفان، خسارت جبران‌ناپذیری را متوجه جامعه خواهد نمود.

۷. اراده جدی و مسئولیت‌پذیری در مقابله با انحرافات

دستیابی به اهداف و نتایج ترسیم‌شده در سیاست‌های کلان جامعه و قوانین وضع‌شده در صورتی امکان‌پذیر است که اراده جدی برای اجرایی کردن قوانین و رسیدن به اهداف مورد نظر وجود داشته باشد. نبود اراده جدی و وجود سهل‌انگاری در میان مسئولان جامعه، سرآغاز بروز و ظهور هرگونه آسیب‌ها و آفت‌های فرهنگی و اعتقادی در یک جامعه خواهد بود.

۸. هماهنگی و تعامل نهادها و ارگان‌های درگیر

هر پدیده اجتماعی که در یک جامعه ظهور پیدا کند نهادها و ارگان‌های مختلفی از سطوح مختلف یک جامعه را با خود درگیر خواهد نمود که هرکدام نسبت به آن پدیده اجتماعی مسئولیتی را بر عهده دارند و در بسیاری از موارد مسئولیت‌های ارگان‌ها و یا قوای متعدد، مترتب بر یکدیگرند، مثلاً در مورد جریان‌های انحرافی، قوه مقننه مسئولیت وضع قوانین کامل و جامع را برعهده دارد که بتواند تحرکات جریان‌های انحرافی را به صفر یا به حداقل ممکن برساند و قوه مجریه هم مسئولیت حسن اجرای آن قوانین را برعهده دارد و نیز موظف به ارائه برنامه‌ها و طرح‌های مناسب در راستای جریان‌های انحرافی است، قوه قضاییه هم افزون بر وظیفه نظارت بر اجرای قوانین، برخورد با متخلفان و عوامل جریان‌های انحرافی را برعهده دارد.

اجرایی شدن سیاست‌های برنامه‌ریزی‌شده در راستای سلامت اعتقادی و فرهنگی جامعه، نیازمند تعامل و هماهنگی ارگان‌های مرتبط است. ناهماهنگی میان آنها و یا کوتاهی برخی دستگاه‌های

مرتبط، سبب به وجود آمدن خلأهایی خواهد شد که شرایط لازم برای ایجاد یا گسترش و اعلام موجودیت جریان‌های انحرافی را فراهم می‌کند.

سیاست خارجی

دومین عرصه از راهکار سیاسی مربوط به حوزه سیاست خارجی است که در فعالیت‌های خارج از حوزه حکومت، تعریف می‌شود. برای مقابله با جریان‌های انحرافی، به ویژه انحرافات در حوزه مهدویت در این عرصه چند کار حائز اهمیت است:

۱. رایزنی با کشورهای مورد هجوم جریان‌های انحرافی

یکی از عرصه‌های مهم در سیاست خارجی، رایزنی و ارتباطات با کشورهای دیگر است و این مهم در تقابل با جریان‌های انحرافی هم بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا ایده و جریان انحرافی اغلب در یک محدوده جغرافیایی باقی نمی‌ماند، بلکه در صورت قوت گرفتن، مرزهای دیگر را هم در خواهد نوردید و کشورهای دیگر را هم درگیر خود می‌کند. از این رو، لازم است میان کشورهایی که مورد هجوم این جریانات هستند یا خطر نفوذ انحرافاتشان به حوزه‌های آنان می‌رود، رایزنی‌های مناسبی صورت بپذیرد؛ رایزنی‌هایی که در راستای اتخاذ تصمیمات مناسب بین‌المللی برای تقابل و رویارویی با جریان‌های انحرافی بوده باشد.

۱) ۲. ایجاد ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با جریان‌های یادشده

وقتی یک پدیده انحرافی چند کشور را مورد حمله قرار می‌دهد یکی از سیاست‌هایی که در جلوگیری از گسترش آنها می‌تواند اثر قابل توجهی داشته باشد، این است که کشورهایی که مورد هجوم جریان‌های انحرافی قرار گرفته‌اند، با هم ائتلافی تشکیل دهند و برنامه‌های مشترکی برای مقابله با آنها اجرایی کنند. این کار افزون بر اینکه تقابل با این جریانات را متوقف بر یک محدوده جغرافیایی خاص نمی‌کند، موجب می‌شود جریان‌های انحرافی برای فعالیت‌های خود، منطقه امنی را نیابند.

۲) ۳. رصد جریان‌های فرهنگی در خارج از کشور

از آنجا که جریان‌های فرهنگی، به منطقه جغرافیایی خاص محدود نیست، به میزان قدرتی که پیدا کند، منطقه‌های مختلف جهان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. بنابراین، برای جلوگیری از نفوذ هرگونه ایده‌های منحرف و ورود اندیشه‌های مخرب، ضروری است جریانات و تحرکات

را در خارج از مرزهای کشور، رصد کرد و قبل از ورود و آلوده کردن جامعه، آن را تحت نظر قرار داد. هرچه رصد و شناسایی این پدیده‌های انحرافی زودتر صورت پذیرد، هم شرایط برای مقابله با آنها مناسب‌تر خواهد بود و هم مصون نگه‌داشتن جامعه از آثار مخرب آنها بهتر انجام خواهد گرفت.

۳) ۴. واکاوی و بررسی نقش استعمار و استکبار در پیدایش و گرایش به جریان‌های انحرافی

تاریخ گواه آن است که در سیر تاریخ، همواره افرادی با اهداف استعماری و استعماری بودند که سود و منفعت خود را در تفرقه و چند دستگی مردم جامعه می‌دیدند و اتحاد و هم بستگی مردم را مانعی بزرگ در رسیدن به اهداف خود قلمداد می‌کردند.

قرآن کریم از اجرای این روش توسط فرعون خبر می‌دهد و می‌فرماید:

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ؛^۱ همانا فرعون در زمین [مصر] اظهار برتری نمود و اهل آن را چند دسته کرد و طائفه ای از آنها را کو چک شمرد.»

علامه طباطبایی در تفسیر (وجعل أهلها شيعا) این‌گونه می‌نویسد:

«و اهل آن را چند دسته و چند فرقه مختلف قرار داد به طوری که بر چیزی اجتماع و اتفاق کلمه نداشتند و به همین خاطر قوت مقاومت آنان در برابر قدرت فرعون و قوت امتناع آنان از نفوذ اراده فرعون، ضعیف شد.»^۲

استعمار امروز که سر سفره همان‌ها نشسته است پا جا پای آنان گذارده و همین مسیر را می‌پیماید.

«هماره در طول تاریخ سرزمین‌های و پر از معادن و ذخایر شرق به ویژه منطقه خاور میانه و کشورهای اسلامی مورد توجه غرب و زمامداران غربی بوده است، اما اتحاد و همبستگی شرقی‌ها و بالخصوص مسلمانان مانع نفوذ آنها می‌شد و به دنبال راهی برای نفوذ و استقرار در این مناطق شدند. آنان در صدد بودند که با طرح نقشه‌های استعماری در لباس‌های مختلف،

۱. قصص، آیه ۴.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶ ص ۸.

ولی غالباً محرمانه راه تسلط بر شرق و تسخیر مخازن شرق را بیابند و از این راه به هدف استعماری خود نایل آیند.

استعمار در تحلیل‌های خود چنین نتیجه گرفت که تا انسجام و همبستگی مسلمانان وجود دارد، نمی‌توان بر آنها سلطه یافت و نیز چنین یافت که عامل مهم انسجام و اتحاد آنها، دین است که پیوند آنها را با رئیس دین ناگسسته کرده و موجب بیداری و فشرده‌گی شده است. یکی از شواهد زنده در این مورد، داستان حرمت تنباکو است. بنا بر این تصمیم گرفت همین انسجام و اتحاد را به وسیله مذهب‌سازی، متلاشی کند. با این طرح و ترفند، به میدان آمد.^۱

بنابراین بر حکومت اسلامی لازم و ضروری است که نسبت به رفتارها و برنامه‌ریزی‌های استکبار و استعمار بی تفاوت نبوده، تحرکات و رفتارهای آنان را زیر نظر قرار دهد تا در دام‌های پیچیده آنان گرفتار نیاید و در مسیر مقابله با جریان‌های انحرافی و از جمله در حوزه مهدویت، نقش استعمار و استکبار جهانی را از نظر دور ندارند و آن را مورد مذاقه و بررسی قرار دهند، زیرا اگر رابطه‌ای با استکبار جهانی یافت شود این حکایت از پیچیدگی‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق آنان حکایت می‌کند؛ از این رو باید از هرگونه برخورد ساده‌انگارانه با پدیده‌های انحرافی دوری کنند.

راهکار اقتصادی

دیگر از عرصه‌هایی که در مسیر مقابله با جریان‌های انحرافی نباید از نظر دور داشت، اقتصاد است. اقتصاد از تأثیرگذارترین مسائل در زندگی انسان است که بسیاری از رفتارهای اجتماعی مردم یک جامعه را شکل می‌دهد. هر چند در راهکار اقتصادی برای تقابل و مواجهه با جریان‌های انحرافی، همه افراد یک جامعه مسئول‌اند و تا حدی که بتوانند باید در این زمینه همکاری لازم را انجام دهند، ولی دو گروه می‌توانند نقش مهم‌تری را ایفا کنند:

الف) دولت

ب) تشکل‌های اقتصادی

۱. محمدی اشتهاردی، بابی‌گری و بهایی‌گری، ص ۸۹ - ۹۱.

الف) دولت

دولت به عنوان نهاد حاکم بر جامعه که به منابع مالی و اقتصادی یک جامعه دسترسی دارد، افزون بر مخارج دیگری که دارد باید در راستای مقابله با جریان‌های انحرافی هم از لحاظ اقتصادی دارای برنامه باشد. بسیاری از پروژه‌های کلان در یک جامعه بدون حمایت مالی دولت، امکان‌پذیر نیست. در هر صورت، دولت در مسئله اقتصاد برای مقابله با جریان‌های انحرافی مناسب است در این زمینه‌ها تلاش‌های بیشتری داشته باشد.

۱. شناسایی و احصای عوامل اقتصادی ایجاد یا گسترش جریان‌های انحرافی

مشکلات اقتصادی در بسیاری از موارد، سرآغاز انحرافات در ایده و عقیده می‌گردد. مثلاً فقر و تنگنای مالی آن قدر در اندیشه و فکر انسان اثر گذار است که از رسول خدا ص نقل شده است که فرمود: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛ نزدیک است که فقر موجب کفر انسان بگردد.»^۱ شیخ صدوق هم همین روایت را به طریق هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.^۲

از این رو، بر کارگروه اقتصادی دولت اسلامی لازم است در ابتدا عوامل اقتصادی‌ای که ایجاد جریان‌های انحرافی و یا گرایش به آنها را موجب می‌گردد را شناسایی و احصا نمایند؛ زیرا شناخت این عوامل، در جهت‌دهی به طرح‌ها و برنامه‌ها، بسیار اثرگذار خواهد بود.

۲. برنامه‌ریزی اقتصادی متناسب برای جلوگیری یا به حداقل رساندن ایجاد و گرایش به جریانات انحرافی

پس از مرحله شناسایی و احصای عوامل اقتصادی در تولد و رشد جریان‌های انحرافی، طبق داده‌هایی که به دست آمد، می‌بایست برنامه‌های اقتصادی مناسبی در راستای از بین بردن عوامل اقتصادی ایجاد و یا گسترش جریان‌های انحرافی، طراحی شود که از تولید یا رشد و گرایش به این‌گونه جریانات جلوگیری نماید یا آن را به حداقل ممکن برساند.

برای مثال در مقوله فقر باید در جهت افزایش توان مالی افراد اجتماع و تحقق عدالت اجتماعی، برنامه‌های دقیقی طراحی و توسط افراد توانمند اجرایی گردد.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. صدوق، *أمالی*، ص ۲۹۵.

۳. تقویت مالی نهادهای فرهنگی و علمی

همان‌گونه که در بحث سیاست داخلی از راهکار سیاسی مطالبی بیان شد و به جهت اهمیت آن در راهکار اقتصادی دوباره به آن اشاره می‌شود، نهادهای فرهنگی و علمی که در فرهنگ جامعه بسیار اثرگذار هستند باید از لحاظ مالی به توانمندی‌های مناسب برسند. هرچه این نهادها از لحاظ مالی و اقتصادی در شرایط بهتری باشند، پژوهش‌ها و آموزش‌ها و تبلیغ‌های آنها هم وضعیت بهتری را خواهند داشت، از جمله این نهادها، مراکز فرهنگی‌ای هستند که فعالیت‌های آنان در مسیر تقابل با جریان‌های انحرافی است.

۴. رایزنی با اصناف و تشکل‌های اقتصادی در بهره‌گیری نسبت به کارهای اقتصادی

از گروه‌هایی که در اقتصاد جامعه، نقش به‌سزایی دارند، اصناف و تشکل‌های اقتصادی جامعه است، دولت در مسیر کارهای اقتصادی جامعه می‌تواند از این اصناف به عنوان بازوی قدرتمند در جهت کارهای اقتصادی‌ای که برعهده دارد بهره‌برد، از این‌رو برای بهره‌گیری بهتر از این گروه‌ها، لازم است رایزنی‌ها و همکاری‌های مناسبی با این اصناف داشته باشد که از جمله مواردی که می‌توان از آنان بهره‌برد در مقوله مقابله با جریان‌های انحرافی است.

(ب) اصناف و تشکل‌های اقتصادی

همان‌گونه که اشاره شد اصناف و تشکل‌های اقتصادی در اقتصاد جامعه اثرگذارند، این گروه افزون بر همکاری با دولت، خودشان هم در مسیرهای فرهنگی از جمله تقابل با گروه‌ها و جریان‌های انحرافی، می‌توانند کمک‌های مالی نمایند. این مهم در جایی اهمیت خود را نشان می‌دهد که دولت به جهت گستره فعالیت‌های مالی‌اش و یا بعضاً به خاطر محدودیت‌های مالی یا پاره‌ای ملاحظات، نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است در این زمینه، به‌خصوص ورود نماید. از این‌رو، حضور اصناف و تشکل‌های اقتصادی در جهت توانمندسازی مالی مراکز فرهنگی، نقش به‌سزایی را ایفا خواهند کرد.

نتیجه

در مسئله مقابله با جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت باید راهکار جامعی را در پیش گرفت که در آن عرصه‌های مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد اولاً: در این مسیر می‌تواند مثمر ثمر باشد

ثانیاً؛ غفلت از آنها موجب پدیداری و گسترش بیش از پیش این گونه جریانات می‌گردد. از این رو، سه راهکار مهم و اساسی در این مسیر باید انجام گیرد:

الف) راهکار فرهنگی؛

ب) راهکار سیاسی؛

ج) راهکار اقتصادی.

هر کدام از آنها به زیرمجموعه‌های متعددی تقسیم می‌گردند. توجه به این راهکارها و رعایت دقیق زیرمجموعه‌های آن می‌تواند در کاهش چشمگیر پیدایش و گسترش جریان‌های انحرافی نقش به‌سزایی داشته باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

*قرآن کریم

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، **علل الشرائع**، کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، **الأمالی**، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
۳. امام خمینی، موسوی، سید روح الله، **تفسیر سوره حمد**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی مرکز کامپیوتری نور.
۴. امام خمینی، موسوی، سید روح الله، **صحیفه امام**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی مرکز کامپیوتری نور.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، نسیم اندیشه دفتر سوم، مجموعه آثار آیت الله جوادی (نرم افزار اسراء)
۷. طباطبایی سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم ۱۴۱۷ ق.
۸. کامیاب، مسلم، **زمینه‌های پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر**، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. محمدی اشتهاردی، محمد، **بابی گری و بهایی گری**، کتاب آشنا، قم، ۱۳۷۹ ش
۱۱. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار شهید مطهری**، انتشارات صدرا، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، **پیام امام امیر المؤمنین ع**، چاپ چهارم، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۶ش.
۱۳. منصوری، جواد، **فرهنگ استقلال**، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ ش.